انترناسیونال ۶۳۷

**حلقه اصلی خود حزب است**

**مصاحبه با حمید تقوائی در مورد پلنوم ۴۴ کمیته مرکزی حزب**

***انترناسیونال:*** *در اواسط ماه نوامبر پلنوم ۴۴ حزب برگزار شد. بنظر شما این پلنوم چه ویژگیهایی داشت و بر چه مسائلی تاکید گذاشت؟*

**حمید تقوائی:** یک موضوع بحث و بررسی در پلنوم اخیر، به روال همیشه، وضعیت سیاسی ایران و جهان و موقعیت و اولویتهای حزب در این دوره بود. قطعنامه هائی در مورد اوضاع سیاسی جهان و ایران در پلنوم تصویب شد که متن آنها منتشر شده است. پلنوم در عین حال قرارهای متعددی در مورد ضرورت به روز کردن تشکیلات حزب، مساله تامین مالی حزب، آموزش حزبی و برگزاری سمینارها و کنفرانسهای علنی به تصویب رساند. اغلب این قرارها بوسیله کادرهای حزب پیشنهاد شده بودند و در خود پلنوم نیز کادرها نقش فعالی در بحث حول این مسائل ایفا کردند. به نظر من ویژگی پلنوم ۴۴ همین دخالتگری فعال کادرهای حزب در مباحث و مصوبات پلنوم بود. ما از چند هفته قبل از پلنوم صفحه فیسبوکی ویژه ای را به تدارک سیاسی پلنوم اختصاص داده بودیم و کادرها اسناد پیشنهادی خود را در این صفحه مطرح کرده و به بحث گذاشته بودند. میدانید که همه کادرهای حزب میتوانند اسنادی را، با تایید دو عضو کمیته مرکزی، برای تصویب به پلنومها ارائه بدهند و در جلسات پلنوم کمیته مرکزی شرکت کنند. در این پلنوم مجموعا هفتاد کادر و عضو کمیته مرکزی شرکت داشتند و این فضای بسیار فعال و زنده ای به پلنوم داده بود. یازده سند در این پلنوم مورد بحث قرار گرفت و ده سند به تصویب رسید و این در تاریخ پلنومها و کنگره های حزبی یک رکورد است. اما اهمیت این امر تنها از نظر تعداد و کمیت اسناد نیست. این مصوبات بر مسائل و ضروریات عملی پیشاروی حزب انگشت میگذارند و راه حلهای معینی را ارائه میدهند که در این دوره راهنمای کار هیات اجرائی و کمیته های حزبی خواهد بود. من امیدوارم این اشتراک و دخالتگری فعال کادرها در سیاست گذاری و اجرای سیاستهای حزبی ادامه پیدا کند و گسترده تر بشود و بعد از این پلنوم کل حزب بتواند بر متن زمینه مساعدی که در ایران و منطقه و در کل جهان برای پیشرویهای چپ بوجود آمده با انرژی و توانی چند برابر گذشته به پیش برود.

***انترناسیونال:*** *در سند "پلاتفرمى براى رهبرى حزب کمونيست کارگرى ايران"، که شما به پلنوم ارائه دادید یک فاکتور مهم اوضاع سیاسی ایران بعد از توافق هسته ای است. نظر شما درباره روند اوضاع سیاسی در ایران چیست و بعد از توافق هسته ای چه تغییراتی کرده است؟*

**حمید تقوائی:** علاوه بر سندی که اشاره کردید در قطعنامه "در مورد وضعیت سیاسی ایران پس از توافقات هسته ای" که باتفاق آرا تصویب شد نیز مولفه های اصلی شرایط سیاسی جدید در ایران تبیین شده است. دو مولفه مهم در شرایط بعد از توافق هسته ای از نظر اقتصادی تشدید وخامت اوضاع اقتصادی علیرغم رفع تحریمها و از لحاظ سیاسی حاد شدن کشمکش و اختلاف جناحها بر سر رابطه با آمریکا و غرب است.

امروز حتی اعضای کابینه روحانی اعتراف میکنند که وضعیت اقتصادی وخیم تر خواهد شد و در مورد رکود شدید و حتی فلج اقتصادی هشدار میدهند. این یکبار دیگر صحت تحلیلهای حزب را در مورد بحران ساختاری اقتصاد جمهوری اسلامی نشان میدهد. ما بارها تاکید کرده ایم که این بحران با تحریمها شروع نشده و با رفع تحریمها نیز حل نخواهد شد. مساله اینست که استراتژی و هویت ضد غربی و ضد آمریکائی جمهوری اسلامی، که خامنه ای در این دوره حتی بیشتر از گذشته بر آن تاکید میکند، به نوعی اقتصاد مافیائی مبتنی بر فعال مایشائی باندها و دارو دسته های قدرتمند اقتصادی در جمهوری اسلامی نظیر بیت رهبری و سپاه و غیره را شکل داده که با ملزومات کارکرد متعارف و سودآوری سرمایه گذاریهائی که قرارست بعد از توافق هسته ای ظاهرا رونق پیدا کند، در تناقض قرار دارد.

از نظر سیاسی هم بعد از توافق هسته ای مساله رابطه با غرب که در واقع به شرایط حفظ قدرت و بقای جمهوری اسلامی مربوط میشود بیش از پیش به محور کشمکشها و اختلافات بین جناحهای حکومتی رانده میشود. جناح روحانی بقای جمهوری اسلامی را در تعامل بیشتر و گسترش رابطه با آمریکا و غرب میداند و خامنه ای و جناح اصولگرا برعکس معتقد است که هر درجه نزدیکی با غرب به تضعیف نظام جمهوری اسلامی منجر میشود. این در واقع کشمکشی بر سر استراتژی بقای حکومت است که یک پارادوکس و تناقض واقعی نظام جمهوری اسلامی را منعکس میکند. تناقض بین هویت و استراتژی ضد آمریکائی حکومت - که خصلت نما و شناسنامه جمهوری اسلامی در جنبش اسلام سیاسی در منطقه و در عرصه سیاست در خود ایران است- از یکسو و نیاز به پذیرفته شدن به بازار اقتصاد و سیاست جهانی که از ملزومات بقای اقتصادی آنست، از سوی دیگر.

این پارادوکس و تناقض که از ابتدای روی کار آمدن حکومت - در همان دوره حاد شدن اختلاف بین جناح بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی- تا بامروز به اشکال مختلف وجود و ادامه داشته است همواره باعث کشمکش بین دار و دسته های مختلف حکومتی بوده است و به نظر من تا این حکومت بر سر کار است راه حلی نخواهد داشت. این تناقض تنها با بر افتادن جمهوری اسلامی حل خواهد شد.

اما فاکتور مهم و تعیین کننده ای که در شرایط سیاسی ایران باید در نظر داشت اعتراضات و مبارزات کارگران و توده مردم است. بعد از توافق هسته ای این مبارزات به چند دلیل گسترده تر خواهد شد. اول اینکه توده مردم توافق و نزدیکی با آمریکا را به بهتر شدن رفاه و وضعیت معیشتی و همچنین تضعیف اسلامیت و قوانین و فرهنگ و مقدسات اسلامی که حکومت بر جامعه تحمیل کرده است تعبیر و ترجمه میکنند و با این انتظار و توقع حکومت را بچالش میکشند. اما واقعیت اینست که کل حکومت، هیچیک از جناحهای حکومتی، نه میخواهد و نه میتواند به این انتظار و توقع مردم پاسخ بدهد. علت دیگر اینست که از لحاظ اقتصادی حتی اگر تحریمها تماما بر طرف شود و سرمایه گذاریها گسترش پیدا کند بمنظور تامین سودآوری و رقابت در بازار جهانی و داخلی لازمست سیاست ریاضتکشی اقتصادی با شدتی بیش از گذشته به اجرا در بیاید و این معنائی بجز تشدید فقر و فلاکت و بی تامینی اقتصادی نخواهد داشت. از لحاظ سیاسی هم رژیم خواهد کوشید با تشدید اختناق و سرکوبگری - که یک شاخص آن شکسته شدن رکورد اعدامها در دوره روحانی است- بخیال خود از گسترش اعتراضات توده مردم در فضائی که توافق هسته ای و گفتمان عادیسازی رابطه با غرب ایجاد کرده است ممانعت کند. مجموع این شرایط تقابل و قطبندی بین جامعه و حکومت، یا بعبارت دیگر مقابله کارگران و توده مردمی که جانشان به لب رسیده است با کل نظام جمهوری اسلامی را بیش از پیش تشدید خواهد کرد. این مبنای تحلیلی سیاستها و تاکتیکهای مبارزاتی و عملکرد حزب ما در دوره ایست که پیش رو داریم.

***انترناسیونال:*** *در سند اولویتها بعنوان فاکتور دیگر از سربلند کردن یک گرایش و جنبش اجتماعی سکولاریستی و مدرن در منطقه اسم برده اید. نقش این گرایش و رابطه آن را با آینده کمونیسم و جنبش کارگری در تحولات آتی منطقه چگونه می بینید؟*

**حمید تقوائی:** به نظر من جنبش سکولاریستی که بیش از دو ماه است در عراق و اخیرا در افغانستان سر بلند کرده است جنبش بچالش کشیدن نه تنها دولتها و نیروهای اسلامی بلکه نظم نوین مذهب - قومی عشیرتی است که آمریکا و متحدینش تلاش کرده اند در منطقه خاورمیانه پیاده کنند. بهمین خاطر از نطر مضمون و اهداف عینی، این حرکت خصلتی ضد نظم نوین کاپیتالیستی دارد و در کمپ چپ و نقد کارگری وضعیت موجود قرار میگیرد. در مقطع اولین حمله آمریکا به عراق، جنگ خلیج در سال ۱۹۹۱، منصور حکمت این واقعه را "طلوع خونین نظم نوین جهانی" نامید و اکنون بعد از نزدیک به سه دهه جنگ و آتش و خون در خاورمیانه توده مردمی که هدف مستقیم تهاجم و تحمیل این نظم خونین کاپیتالیستی بوده اند با پرچم سکولاریسم و مدنیت و جامعه و نظام مدنی بپا خاسته اند. این حرکت شاخه خاورمیانه ای جنبش چارلی ابدو در فرانسه و جنبش اشغال وال استریت در غرب است. آمریکا و متحدین غربی اش، بهمراه روسیه و دولتها و نیروهای اسلامی در منطقه - ترکیه و عربستان و جمهوری اسلامی و دولت بشار اسد و داعش و غیره- در ایجاد شرایط فاجعه بار امروز در خاورمیانه نقش داشته اند. این نیروها اکنون در فضائی که ناکام ماندن استراتژی هژمونی طلبانه میلیتاریستی آمریکا ایجاد کرده است فعال شده و مشغول یارگیریها و تجدید یارگیریهای منطقه ای و جنگ و جنایت و خونریزی علیه یکدیگر و علیه مردمند.

اعتراضات توده ای عراق و افغانستان علیه کلیه این دولتها و نیروهای اسلامی و غربی قرار دارد. وقتی مردم عراق علیه نیروهای سنی و شیعه و علیه تجارت مذهب شعار میدهند و خواست مدنیت و دولت و جامعه سکولاریستی و مدنی را مطرح میکنند در واقع نه تنها نیروهای اسلامی، بلکه دولتهای غربی و بورژوازی جهانی را که موجد این وضعیت بوده اند و از مقطع جنگ خلیج تا بامروز تلاش کرده اند تا با اتکا به نیروهای اسلامی – قومی- عشیرتی سیاستها خود را به پیش ببرند، بچالش میکشند و عملا در برابر منافع و اهداف بورژوازی منطقه و بورژوازی جهان قرار میگیرند. به همین دلیل است که ما تقریبا با سکوت مطلق دولتها و رسانه های غربی در قبال مبارزات مردم عراق و افغانستان مواجه هستیم. یک وظیفه محوری ما و کلا نیروهای چپ و رادیکال در این شرایط منعکس کردن و نمایندگی کردن این جنبش سکولاریستی مردم خاورمیانه - در عراق و افغانستان و ایران و ترکیه و کردستان سوریه و لبنان- و جلب حمایت مردم جهان، و بویژه مردم کشورهای غربی که هدف حمله داعش و تروریستهای اسلامی قرار گرفته اند، از این مبارزات است. ما بویژه باید تلاش کنیم که نقش دولتهای غربی، روسیه و کلا بورژوازی جهانی را در بجلو رانده شدن نیروهای اسلامی و وضعیت فاجعه باری که امروز در خاورمیانه شاهد آن هستیم برای مردم جهان توضیح بدهیم و نقش جنبش سکولاریستی مردم منطقه را در به عقب راندن سیاستهای پرو اسلامی دولتهای غربی و بسط نفوذ نیروهای اسلامی در جوامع غربی به جهانیان نشان بدهیم.

***انترناسیونال:*** *دوره جدید جنبش ضد کاپیتالیستی در غرب که با جنبش وال استریت را اشغال کنید، در تابستان ۲۰۱۱ آغاز شد هنوز نتوانسته است یک آلترناتیو قدرتمند و بدیل سیاسی ارائه دهد و بقول خودتان در حد پارادایم و گفتمان باقی است. بنظر شما تا چه حد می توان به آن امید بست و به چه شکل می توان در آن تاثیر گذاشت؟*

**حمید تقوائی:** در ادامه جنبش اشغال امروز با یک گفتمان و فضای عمومی ضد کاپیتالیستی در غرب مواجه هستیم که حتی تبلیغات احزاب حکومتی و مبارزات انتخاباتی در این کشورها را تحت تاثیر قرار داده است. بعنوان نمونه در آمریکا و در انگلیس دو سیاستمداری که خود را علنا سوسیالیست معرفی میکنند در جامعه محبوب شده اند. این نشاندهنده حضور و قدرت گیری یک چپ اجتماعی است که کل فضا را به چپ سوق داده و باعث شده است که بعنوان مثال در فضای سیاسی آمریکا، که تا کنون سوسیالیسم یک تابو محسوب میشد، یک کاندیدای ریاست جمهوری خود را علنا سوسیالیست معرفی کند و محبوب بشود. منشا این تحول در درون صفوف بورژوازی و رقابتهای سنتی بین احزاب بورژوائی نیست بلکه در بحران حکومتی بورژوازی و قدرتگیری نیروی چپ اجتماعی ریشه دارد. نزدیک به یک دهه است که اتاقهای فکری بورژوازی و استراتژیستهای دورنگر آن در مورد دره عمیق بین فقر و ثروت و "خطر" شورش گرسنگان هشدار میدهند و به چپ چرخیدن فصای سیاسی در اروپا یک شکل بروز این "هشدار و اعلام خطر" است. این فضا و این ابراز وجود چپ اجتماعی زمینه مساعدی برای پیشروی و تقویت چپ متشکل و متحزب و احزاب کمونیست انقلابی نظیر حزب ما فراهم می آورد.

بحث بر سر آلترناتیو بودن و یا امید بستن به این فضا و نیروی چپ اجتماعی نیست بلکه نمایندگی کردن این نیرو، متعین و متحزب کردن آن، و بچالش کشیدن بورژوازی جهانی در عرصه قدرت سیاسی با اتکا به این نیروی عظیم اجتماعی است. به نظر من یک دستاورد مهم جنبش اشغال تبیین و اعلام تقسیم جوامع به یک درصدیها و نود و نه درصدیها و تعین بخشیدن به مقابله نود و نه درصدیهای جهان علیه یک درصدیهای حاکم بود. این تقسیمبندی بازتاب این واقعیت طبقاتی دوران ماست که سرمایه داران صاحب قدرت و ثروت، تنها یک درصد جمعیت جهان را تشکیل میدهند و نود و نه درصد مردم، توده مردمی که هیچ منفعتی در سلطه اقتصادی و سیاسی این اقلیت مفتخور ندارند، به کمپ کار و جنبش ضد کاپیتالیستی طبقه کارگر تعلق دارند. کمونیسم متشکل و متحزب دوران ما نیز باید این واقعیت را ببنید و تلاش کند به نماینده و سخنگوی نود و نه درصدیهای جهان علیه یک درصدیها تبدیل بشود. در سند اولویتها و همچنین نقشه عمل ششماهه هیات اجرائی حزب که برمبنای این سند تدوین شده، وظایف و اقدامات معینی در این جهت تعریف شده و و در دستور کار رهبری حزب قرار گرفته است.

***انترناسیونال:*** *در سند اولویتها درباره متعین کردن دخالت حزب در مبارزه طبقاتی، تعیین محورهای تبلیغات سیاسی حزب رو به ایران و تعیین عرصه ها و سوژه های محوری مبارزه در ایران، صحبت شده است. آیا در سیاستهای کنونی حزب کمبودهایی در این زمینه ها وجود دارد و آیا طرح این بندها به معنای بازتعریف سیاستهای فعلی حزب است؟*

**حمید تقوائی:** حزب ما همیشه در همین جهت حرکت میکرده است اما در عین حال در هر دوره و با توجه به شرایط و تحولات جدید سوژه ها و موضوعات و اشکال تازه ای از مبارزه مطرح میشود که باید مورد توجه حزب قرار بگیرد. مبارزه طبقاتی امری زنده و متحول است و برخوردی زنده و متحول را طلب میکند. استراتژی ما سرنگون کردن جمهوری اسلامی و خلع ید سیاسی و اقتصادی از طبقه سرمایه دار بقدرت یک انقلاب توده ای است. این استراتژی - که مدتهاست در حزب ما با نظریه حزب و جامعه و حزب و قدرت سیاسی تبیین شده و در دستور کار ما قرار گرفته است - در هر شرایط معین فعال شدن در جبهه ها و عرصه های نبرد معینی را طلب میکند. و بر حسب شرایط اولویتها و نقطه تمرکز فعالیتهای حزبی نیز تغییر خواهد کرد.

انقلاب و سرنگونی دفعتا و ابتدا بساکن اتفاق نمی افتد، بلکه نقطه اوج مبارزه طبقاتی در عرصه های متعددی است که هر روزه جریان دارد. یک مبحث مهم این پلنوم و همچنین پلنوم قبلی حزب تاکید بر این مساله دخالتگری فعال در عرصه های مختلف مبارزه طبقاتی بود. این موضوع در سند اولویتها با عبارت "قرار دادن نظریه حزب و جامعه و حزب و قدرت سیاسی بر متن مبارزه طبقاتی" مورد تاکید قرار گرفته است.

بعنوان نمونه شرایط تازه پس از توافق هسته ای در ایران مبارزه علیه فقر و فلاکت و برای بهبود شرایط معیشتی و رفاهی را بیش از پیش برجسته میکند و در مرکز مقابله با مردم و حکومت قرار میدهد. و یا در سطح منطقه سر بلند کردن جنبش سکولاریستی و در سطح جهانی به چپ چرخیدن فضای سیاسی، همانطور که بالاتر اشاره کردم شرایط و جبهه های نبرد تازه ای را در برابر ما کمونیستها باز میکند. یک حزب سیاسی فعال و دخالتگر باید این واقعیات را ببیند و در تاکتیکها و نقشه عملهای دوره ای خود بحساب بیاورد. در سند اولویتها رئوس وظایف حزب در این رابطه مشخص شده است و رهبری حزب موظف شده که نقشه عملها و راهکارهای معینی در عرصه هائی که برشمردم تدوین کند و در دستور قرار بدهد.

***انترناسیونال:*** *بند چهارم سند اولویتها در مورد جنبش کارگری است. حزب برای متشکل و متحزب ساختن جنبش کارگری چه سیاستی دارد؟*

**حمید تقوائی:** مبانی سیاست ما در قبال جنبش کارگری روشن است: کمک به وحدت و انسجام هر چه بیشتر جنبش کارگری بویژه از طریق همکاری و همراهی چهره ها و تشکلهای فعال در این جنبش، افشای نهادها و تشکلهای زرد و سر به حکومت و نقد گرایشات راست و حزب گریز در جنبش کارگری، جلب حمایت جهانی از مبارزات کارگران ایران و بالاخره تقویت و دامن زدن به جنبش مجموع عمومی و شکل دادن به تشکلهای توده ای کارگری بر مبنای مجمع عمومی. ما همچنان این سیاست را دنبال میکنیم و در قطعنامه کارگری که در پلنوم تصویب شد نیز معنی عملی این سیاست در شرایط امروز توضیح داده شده است. اما در سند اولویتها خصوصیات نوین جنبش کارگری مورد توجه و تاکید قرار گرفته است. در اینجا هم در واقع بحث بر سر اتکا بر و بحساب آوردن خصوصیات امروزی و شرایط معین مبارزه در پیشبرد خط و سیاستها عمومی حزب است. در سند اولویتها خصوصیات و ویژگیهای نوین جنبش کارگری نظیر اتکا و استفاده موثر از مدیای اجتماعی - نمونه ای که در جنبش معلمان شاهد آن هستیم، بسیج خانواده ها در اعتراضات و مبارزات کارگری، برجسته و مطرح کردن چهره های جنبش کارگری و ابراز وجود سیاسی جنبش کارگری و غیره مورد تاکید قرار گرفته است. جنبش کارگری در این دوره نقش برجسته و فعالی در مقابله کل جامعه با جمهوری اسلامی ایفا میکند و و یک راه پیشرویهای بیشتر جنبش کارگری در این شرایط متکی شدن بر خصوصیات نوین این جنبش و تلاش برای تقویت و گسترش آنها است.

***انترناسیونال:*** *اهمیت جنبش ضد مذهبی در تحولات آتی ایران و منطقه را چگونه می بینید؟ از نظر شما جنبش ضد مذهبی در ایران چه کمبود هایی دارد؟ حزب کمونیست کارگری در این جنبش چه نقشی برای خود قائل است؟*

**حمید تقوائی:** همانطور که در ابتدا گفتم یک حرکت وسیع در منطقه شکل گرفته است که بویژه درعراق خیلی شفاف و صریح علیه نیروهای مذهبی است. از نقطه نظر مترقی و رادیکال بودن این جنبش را میتوان در ردیف انقلابات مصر و تونس و قبل از آن جنبش انقلابی سال ۸۸ در ایران قرار داد. به نظر من همانطور که نیروها و دولتهای اسلامی در منطقه حاصل و ادامه سیاستهای نظم نوینی در منطقه هستند، جنبش سکولاریستی جاری نیز ادامه انقلابات موسوم به بهار عرب است. اما به نظر من این جنبش نوین - مردم افغانستان با همین شعار "جنبش نوین" یک روز قبل از حمله پاریس در کابل علیه دولتها و نیروهای قومی مذهبی در آن کشور به خیابانها آمدند - با انقلابات منطقه و حتی اعتراضات علیه مذهب در ایران متفاوت است. این اولین بار است که یک جنبش توده ای با شعار نه به مذهب و علیه نیروهای سنی و شیعه و "تجار دین" و در دفاع از سکولاریسم و مدنیت با شعارهای روشن و صریح قد علم میکند. نه تنها در تحولات خاورمیانه در دهساله اخیر بلکه در تاریخ تحولات معاصر در جهان چنین حرکتی بی سابقه است. بعد از انقلاب کبیر فرانسه ما جنبشی با این صراحت و شفافیت علیه مذهب نداشته ایم. حتی در ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی گرچه یک حرکت وسیع و ادامه دار ضد قوانین و اخلاقیات و مقدسات مذهبی - بخصوص از جانب زنان و جوانان - وجود دارد هنوز این حرکت به سطح یک جنبش توده ای متعین ضد مذهبی ارتقا نیافته است. یک وظیفه مهم حزب در این شرایط همین متعین و شفاف کردن جنبش سکولاریستی و ضد مذهبی در ایران است.

"خطر" نفود هنر و موسیقی غربی و "هجمه فرهنگی" غرب که مقامات حکومتی مدام درباره اش هشدار میدهند در واقع نشاندهنده گرایش عمیق توده مردم در ایران به خلاصی از شر قوانین و مناسبات و اخلاقیات پوسیده اسلامی و روی آوری به فرهنگ و روابط مدرن و مدنی و سکولاریستی و انسانی است. آنچه مقامات حکومتی "هجمه فرهنگی" مینامند در واقع چیزی نیست بجز سکولاریسم و مدنیت و جامعه مدنی و مدرنی که مردم عراق و افغانستان به صراحت در شعارهایشان مطرح میکنند. باید تلاش کرد تا در ایران نیز گرایش عمیق جامعه به خلاصی از مذهب و مبارزات و اعتراضات هر روزه ای که علیه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی و قصاص و دیگر قوانین اسلامی وجود دارد به یک جنبش توده ای سکولاریستی رادیکال و چپ ارتقا پیدا کند. این یک رکن مهم مبارزه ما نه تنها برای سرنگونی جمهوری اسلامی بلکه برای رهائی منطقه از نیروها و دولتهای اسلامی است.

***انترناسیونال:*** *به روز شدن و مدرن شدن سازمان حزب از نظر شما به چه معنا است و چه اقدامات عملی در این زمینه در نظر دارید؟*

**حمید تقوائی:** مساله مدرن و به روز کردن تشکیلات حزب یکی از مشغله های همیشگی رهبری حزب در سالهای اخیر بوده است. میدانیم که انقلاب الکترونیک، در زمینه تبادل اطلاعات و همبستگی و سازمانیابی توده های مردم در اعتراضات هر روزه شان، و در سطح وسیعتری در شکلگیری جنبشهای توده ای و انقلابات، به نحوی که در جنبش اشغال و در انقلابات موسوم به بهار عرب شاهد بودیم، تغییر و تحول ریشه ای و همه جانبه ای ایجاد کرده است. انقلاب الکترونیک را انقلاب صنعتی سوم - بعد از ماشین بخار و الکتریسته- مینامند و یکی از نتایج سیاسی و اجتماعی این انقلاب سوم، انقلاب در انقلاب است. انحصار طبقه حاکمه، دولتها و رسانه های رسمی و موسسات مهندسی افکار بورژوازی بر اطلاعات شکسته شده است و برای اولین بار در تاریخ طبقه تحت استثمار و توده مردمی که هیچ منفعتی در سلطه سیاسی و اقتصادی مفتخورهای حاکم ندارند- یعنی در عصر ما طبقه کارگر و نود و نه درصد مردم جهان- قادر شده اند در یک سطح وسیع و اجتماعی به خود آگاهگری و خود سازماندهی بپردازند. مکانیسمهای مبارزه طبقاتی کاملا متحول شده است و یک حزب کمونیست انقلابی اگر به این مکانیسمها متکی نشود موضوعیت و ربط خود را به تاریخ معاصر را تماما از دست خواهد داد. این صرفا یک مساله فنی مثلا مربوط به استفاده از تکنولوژی جدید نیست، بلکه بحث بر سرسازماندهی و سازمانیابی حزبی منطبق با شرایط و مکانیسمهای کاملا تازه مبارزه طبقاتی است. بعنوان مثال این شرایط تازه به یک نیروی چپ اجتماعی شکل داده است که قادر به سازماندهی اعتراضات رادیکال در مقیاس جهانی است. فعالینی را بجلو رانده است که در مقیاسی بمراتب وسیع تر از احزاب در دوره های گذشته قادر به تاثیر گزاری و سازماندهی و دخالتگری در مبازات و تحولات سیاسی و اجتماعی اند. این شرایط بویژه عملکرد چپ متشکل و متحزب یعنی نحوه تبلیغات و سازماندهی و رهبری کمپینها و مبارزات حزبی و دخالتگری و تاثیرگذاری حزب بر مبارزات اجتماعی را کاملا متحول و بر مبنای کاملا تازه ای قرار میدهد.

در این پلنوم در قراری تحت عنوان "ضرورت به روز شدن تشکیلات حزب" رئوس اقدامات حزب در این جهت تعیین شده و رهبری حزب موظف شده است که نقشه عملهای لازم برای تحقق این امر را تدوین کند و در دستور قرار بدهد.

***انترناسیونال:*** *بعنوان آخرین سئوال ارزیابی شما از پلنوم ۴۴ چیست و آیا فکر میکنید حزب میتواند به وظایف متنوع و متعددی که پلنوم تعیین کرده است پاسخ بدهد*؟

**حمید تقوائی:** به نظر من حزب ما از این پتانسیل و توانائی برخوردار است که به ضروریات امروز مبارزه در همه عرصه هائی که پلنوم تعیین کرده است، و من به برخی از آنها را در این مصاحبه پرداختم، پاسخ بدهد. حلقه اصلی در این میان خود حزب است. روشن است که بدون مدرن و امروزی کردن روابط و مناسبات درون حزبی و کل سازمان حزب و شیوه های فعالیت آن نمیتوان در دنیای امروز گامی بجلو برداشت و ما مدتهاست بر این ضرورت واقف هستیم. اما من امروز، با توجه به روحیه فعال و دخالتگرانه ای که در این پلنوم شاهدش بودم، بیش از هر زمان دیگر به امکان پذیری این امر معتقد و امیدوار هستم. البته این امر خودبخود و صرفا بخاطر تصویب اسنادی در این زمینه متحقق نخواهد شد. باید رهبری و کادرها و تمام بدنه حزب برای اجرای این سیاستها آستین بالا بزنند و با انرژی و تلاشی دو چندان وظایف و مسئولیتهای خود را به پیش ببرند. رهبری حزب به سهم خود در این جهت خواهد کوشید و بویژه سعی خواهد کرد تعداد هر چه بیشتری از کادرها را در انجام و پیشبرد وظایف وسیع و متعددی که در برابر خود قرار داده ایم دخیل و فعال کند.

٢ دسامبر ٢۰۱٥